



The Criticism of Child Murdering by his Father in Iranian Law

Alireza Paknezhad

Lecturer at Payame Noor University,
Master's Degree in Private Law, Meshkin
Shahr, Ardabil
alireza.paknejad51@gmail.com

Abstract

The statistics proves that 75 cases of filicide have been recorded in 2020 A.D. in Iran (Fars Media Corporation, 1400). It deems necessary to consider this issue due to its ever-increasing growth. To retrospect articles 301 and 306 of Islamic law of punishment ratified in 2013 A.D., which deal with non-punishment of a father in case of murdering his child, is not deterrent according to the present conditions in the society; since it has not been effective in decreasing the rate of filicide. To settle this dilemma, what fast and inexpensive policies should be adopted? This study aims to answer the following questions using descriptive and analytical methods. The collected data in other researchers' studies demonstrates that cultural and educational activities are among the best strategies to solve the present issue; however, it has not been considered much. In line with this, the following actions have been taken: media mobilization, preparing formations for peaceful protests in the society to amend the law, emphasizing the support of children in the lectures, courses and allocating university courses to it, training individuals to help decrease the number of cases by using related films and animations. This strategy has been included in the passive defense model. Secondly, jurists' and lawyers' expertly meetings, amending the present law and stipulating new laws could be effective due to the overlap with the recent law, the population rejuvenating plan.

Keywords: law amendment, passive defense, cultural activities, filicide, Islamic law of punishment, non-punishment

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Received: 10/November/2021

Accepted: 17/January/2022

ISSN: 2783-3631



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقد مجازات قتل فرزند توسط پدر در قانون ایران

مدرس دانشگاه پیام نور، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مشکین شهر، اردبیل
alireza.paknejad51@gmail.com

علیرضا پاک‌نژاد

چکیده

آمار فرزندکشی ثبت رسمی در سال ۱۳۹۹ در ایران ۷۵ نفر بود (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰). نگرانی از رشد روز افزون این حوادث، ضرورت تفکر اساسی را می‌طلبد. بازنگری در مواد ۳۰۱ و ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که عدم قصاص پدر در قتل فرزند را به عنوان مجازات این جرم در نظر گرفته است با شرایط موجود جامعه بازدارنده نیست؛ چراکه این عدم تناسب نتوانسته در کاهش نرخ فرزندکشی موثر باشد. برای رفع این معضل با شرایط فعلی چه تدابیر و راهکارهای کم‌هزینه و سریع می‌تواند موثر واقع شود؟ هدف این مقاله بیان پاسخ‌ها به این پرسش در قالب روش توصیفی و تحلیلی است. البته یافته‌های موجود از بررسی مقالات پژوهشگران در این زمینه به این نتیجه رسید که کارهای فرهنگی و آموزشی در درجه اول حل معضل فرزندکشی است و به این مقوله کمتر پرداخته شده است. البته اقداماتی همچون بسیج رسانه، تدارک تشکلهایی برای اعتراضات مسالمت‌آمیز در جامعه برای این امر از بابت اصلاح قانون، محوریت حمایت از کودک در مجالس وعظ و کلاس‌ها و تخصیص دروس دانشگاهی و تربیت مربی ویژه در آسیب‌شناسی فرزندکشی با کمک از فیلم‌ها و پویا‌نمایی و غیره مدنظر قرار گیرد. در الگوی پدافند غیرعامل این راهکار گنجانده شده است. در درجه‌ی دوم، نشست‌های کارشناسانه فقها و حقوق‌دانان عامل موثری می‌تواند باشد از بابت همسویی با قانون اخیر طرح جوانی جمعیت، اصلاح یا وضع قانون جدید.

کلیدواژه‌ها: ترمیم قانون، پدافند غیرعامل، کار فرهنگی، فرزندکشی، قانون مجازات اسلامی، عدم قصاص.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

رسم نحس فرزندکشی از شاهنامه تا نادرشاه نه تنها در تاریخ ایران بلکه در زمان باستان و در بعثت حضرت ختمی مرتبت برای دختران کابوسی بود که حضرت محمد (ص) یکی از اهداف خود در آن جاهلیت را نسخ این رسم پلید غیر انسانی دانست. در ایران نیز نگرانی افکار عمومی و اشخاص دلسوز و سازمان‌های فعال در حقوق بشر داخل و خارج با در نظر گرفتن رشد جمعیت و مقایسه کاهش جمعیت در سال‌های اخیر بر اثر بیماری‌ها، حوادث طبیعی و نامرتبه و همچنین قتل فرزند تصمیم‌گیران را به واکنش و حساسیت از بابت تنظیم برنامه‌هایی برای فرزندآوری و راه‌های کاهش جمعیت از جمله قتل کودک واداشت. نمونه‌ی اخیر این اقدامات تدوین قانون طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مصوب مهر ۱۴۰۰ در مجلس محترم شورای اسلامی بود.

با توجه به این‌که پدیده‌ی فرزندکشی و خفت مجازات تعبیه شده نسبت به آن در قوانین کیفری کشورمان جز یکی از موارد کاهنده جمعیت و به نوعی مخالف سیاست مترقی فرزندآوری است شایسته است نهادهای موثر دولتی در چهارچوب این قانون خاص و پیشرو حرکت نمایند و هم‌سو با افکار عمومی، فضای مجازی و رسانه و همچنین فعالان عرصه‌ی حقوق بشر در داخل و خارج جدیت خود را در رفع معضل فرزندکشی بکار گیرند. متأسفانه در سال‌های اخیر در ایران به دلایل مشکلات عدیده‌ی اقتصادی، سیاسی و استرس و بیماری‌های روانی و غیره، آمار فرزندکشی در خانواده‌های جوامع کوچک سنتی نسبت به شهرهای بزرگ بیشتر محسوس بوده است. بنا به نقل قول مراکز پلیس سال ۱۳۹۴ آمار فرزندکشی در ایران ۲۱ نفر بود (قنبرپور، ۱۴۰۰: ۱). یک قاضی کیفری در بابل آمار فرزندکشی را ۷۵ نفر در انتهای سال ۱۳۹۹ اعلام نمود؛ در آمریکای ۳۵۰ میلیون نفری آمار ۴۵۰ نفر قتل فرزند ثبت شده است. البته این موارد آمار رسمی و قانونی قتل‌های ثبت شده است. آمار قتل‌هایی که هرگز منشأ آن مشخص نمی‌شود گذشته از دلایل روانی و جنسی والدین و ترس ناشی از به خطر افتادن موقعیت پدر از بابت افشای این راز مثلاً تجاوز یا سوءاستفاده جنسی یا وادار نمودن کودک به کارهای خلاف و غیره هرگز اعلام نمی‌شود.

۱- بیان مساله

عوامل موثر در قتل فرزند توسط پدر که از سوی صاحب‌نظران درجه‌بندی شده است:

۱- اختلالات روانی و اعتیاد ۲- فقر و مشکلات اقتصادی ۳- تفکر سنتی پدران در خانواده به طور مثال: بارداری ناخواسته دختر و رابطه او با پسران و بالعکس ازدواج پسر با دختری که خواسته والدین و مشورت شده با آن‌ها نیست و یا ارتباطات خانوادگی افراطی نظیر چشم هم چشمی، رقابت و به رخ کشیدن و غیره. ۴- کم کاری و عدم احساس مسئولیت دیگر نهادها در کاهش فشار بر پدر: قوه‌ی مجریه در عدم آموزش لازم برای کودکان در مدارس از بابت برخوردهای دفاعی لازم با حالات و اختلالات والدین در خانواده و آمادگی کودکان برای مواجهه و واکنش مناسب در مورد این روابط و نیز عدم تخصیص کتب آگاهی بخش برای کودکان و تدارک مربیان متخصص در مشکلات اجتماعی (زنگی آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۸).

قوه‌ی قضائیه: سختگیری بر پدرانی که خود را در قتل فرزند محق می‌دانند. (قاضی، مشاور و مجری)

قوه‌ی مقننه: تدارک و جایگزینی قانون ضعیف با یک قانون قوی و حامی کودک و بازدارنده تا آسیب‌های قتل توسط پدر به حداقل برسد. این مقاله ضمن بیان خلا قوانین ۳۰۱ و ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی فعلی و با تاکید بر حمایت از اطفال، عوامل مغفول مانده در این قتل‌ها را به کمک الگوی پدافند غیرعامل بررسی و تشکیل پرونده شخصیتی افراد را یکی از اهداف کاهش این جرم می‌داند.

۲- روش تحقیق

روش توصیفی و تحلیلی این پژوهش با در نظر گرفتن افکار صاحب‌نظران جامعه‌شناسی و روانشناسی و علوم دینی در کنار حقوق‌دانان ارزنده‌ی مورد نظر پژوهشگر مقاله بوده است.

۳- پیشینه‌ی بحث

گزیده‌ای از آثار درج شده در مجلات معتبر علمی و نشریات و وب‌سایت‌های دیگر در زمینه‌ی قتل فرزند توسط پدر در این مقاله بررسی شده است. لذا جهت اجتناب از موازی کاری سعی شد پژوهش‌های قبلی تا آن‌جا که هم‌سو با اهداف این مقاله باشد، مورد استناد قرار گیرد و نقایص و خلاء پژوهش‌های قبلی که بیشتر در زمینه‌ی عدم پردازش به جنبه‌های حمایتی کودکان از سوی نهادهای غیردولتی و دولتی بوده با پردازش، ترمیم و اصلاح قوانین موجود در این مقاله مورد بحث و توجه قرار گیرد و راهکاری معقول و کم‌هزینه برای قانون‌گذار و ناظر و مجری در جهت حل این مشکل مطرح گردد. فرهنگ‌سازی و رشد دانش عمومی برای مقابله با این قبیل بحران‌ها و معضلات در نوآوری الگوی پدافند غیرعامل به طور مشروح در مقاله گنجانده شده است. این شیوه به نوعی جهت‌گیری جدید و نوینی است در راستای تحقیقات دیگر محققان در مقوله فرزند‌کشی. این ایده رویکردی ایجابی آموزشی و فرهنگی دارد نه سلبی که در صلاحیت نهادهای دولتی است ولی در موضوع پدافند غیرعامل در زمینه‌ی مشاوره به نهادهای قضایی و اجرایی چند طرح تدارک شده که در جای خود اشاره می‌شود.

۴- فرضیات تحقیق

در تبیین فرزند‌کشی نیز مولفه‌های اساسی و فرعی ایفای نقش دارند.

۴-۱- متغیرهای اصلی در قتل فرزند

سواد و بازدارندگی آن در قتل بی‌شک موثر است ولی سؤال مهم این است قتل توسط پدران باسواد را با چه منطقی می‌توان توجیه نمود؟ قدرت تمییز خوب یا بد در کنار آموزش درست اثرگذاری عمیقی در کمال و پختگی انسان‌ها دارد و به یاری این سرمایه علمی کنترل هیجان‌ها به راحتی متصور خواهد شد چه بسا بی‌سوادان شکل گرفته در محیط‌های اخلاقی بسیار پخته‌تر از افراد باسواد به کنترل هیجان‌ها درونی خود اقدام کنند. نمونه‌ی این امر در شکل‌گیری شوراهای حل اختلاف با برخورد ریش سفیدان در حل و فصل اختلاف و داوری‌ها شاهد هستیم. بی‌شک بهره مناسب از سواد و داشتن تجربه در مخاطرات اجتماعی در پختگی پدران به هنگام بروز خشونت و کنترل آن در پشیمانی از انجام اموری چون فرزند‌کشی مناسب خواهد بود.

از دیگر عوامل موثر در قتل فرزند شیوع اختلالات روانی در بین پدران است. اهتمام در شناسایی و کشف این افراد مبتلا به بیماری‌های افسردگی، شیزوفرنی، حایز اهمیت هستند (ثمری، ۱۳۹۷: ۳۹۷). شاید این اشخاص در جریان این بیماری روحی خطرناک خود قرار نگیرند مسئولیتی است بر عهده آن خانواده و بستگان و همراهان این قبیل پدران تا با همکاری خانواده جهت درمان و حفظ امنیت خانواده و جامعه احساس تکلیف کنند و این قبیل بیماران هرچه سریع‌تر در مراکز درمانی لازم تحت مداوای روانپزشک قرار گیرند.

امید بر این است که در جامعه، با یک برنامه‌ریزی هوشمندانه و هم‌راستا با اهداف مترقی علم جمعیت‌شناسی پتانسیل انسان ماهر و نخبه و تاثیرگذار مورد توجه و تشویق قرار گرفته و از دید تصمیم‌گیران دور نماند.

۴-۲- متغیرهای فرعی

تربیت ناصحیح از سوی والدین عامل فرعی و درجه دوم در قتل اطفال بشمار می‌آید. حسب گفته صاحب نظران متأسفانه نقش خانواده‌های ایرانی امروزه در تربیت فرزندان ۳۰٪ است (قوی قلب، ۱۴۰۰: ۲)، متخصصان علوم رفتاری افزایش فاصله فکری موجود بین والدین سنتی و کودکان را یکی از عوامل نهفته و قابل تامل در خشونت‌های خانوادگی ارزیابی می‌کنند. این وابستگی فرزندان به والدین در نوع اشتغال و مکان زیست، پیوندهای نسبی و سببی خانواده‌ها بیانگر عمق این فاصله و بروز ناهنجاری‌های موجود است. پدری که در روستا به کار دامداری و یا زراعت می‌پردازد و در انتظار کمک فرزندان به رونق کار و مشارکت در تأمین معیشت خانواده است با شروع تحصیل فرزند در شهر با نوعی کم‌اطلاعی از آداب و رسوم شهری مواجه می‌شود که شاید سبب انزوای کودک و استهزا او در این محیط جدید گردد که با محیط روستا و امکانات خانواده او همخوانی ندارد یا در اولویت نمی‌باشد. صاحب‌نظران این نگرش کودکان در این محیط‌ها و بضاعت خانواده در عدم تأمین این خواسته‌ها را یکی از عوامل فشار بر پدر و تداوم آن از سوی فرزند را عامل تحریک حس قتل در پدر معرفی می‌کنند. در متغیر اصلی به بیان نقش سواد و اجتماعی بودن افراد در این وقایع به تفصیل پرداخته می‌شود.

عامل دیگر موثر در قتل، ناشی از اهمال در تربیت کودک بخاطر عواملی چون محبت افراطی یا تفریطی والدین است. ایجاد سطح توقع بیش از حد که متأسفانه والدین نسبت به آن سر تعظیم فرو آورده و به قولی تسلیم کودک شده در تکرار این روند سبب فشار بر پدر و گاه واکنش قتل کودک را در پی دارد که مشابه این قبیل حرکات در پرونده قتل‌ها اعلام شده است. در هر دو نمونه برخورد کودک عامل تهییج و سرمنشا این قتل معرفی شد در حالی که عکس آن یعنی عامل پدر نیز می‌تواند موثر باشد. رفتار فرزند بی ادب در خانواده در مقابل پدر می‌تواند مصداق داشته باشد، گاه پدر فقیر در مقایسه با همکاران اقدام به سلب مسئولیت از خود می‌نماید و در نهایت سبب قتل می‌شود.

۵- فرزند کشی

سلب ظالمانه حیات فرزند بوسیله والدین بالغ و عاقل

۵-۱- موضوع فرزندکشی در اسلام

اسلام جامع‌ترین آیین الهی قتل و جنایت عمدی را سزاوار قصاص دانسته است. یعنی نفس در برابر نفس، هرچند در تفکر امروزی حقوق بشر بحث قصاص سببانه و غیر انسانی تلقی شده اما در واقعیت تعالی فرهنگی اگر بدرستی از سوی برنامه‌ریزان کشور و مردم هدایت شود، مجازات سنگسار متروک خواهد شد. همت در فراهم سازی این بستر با تدوین قانون جدید به سرانجام نخواهد رسید (احمدی، ۱۳۹۹: ۲). بلکه یک برنامه منسجم برای حذف قصاص زمانی موثر می‌شود که کرامات اخلاقی مدنظر قرآن و احکام اسلام در حد اعلا خود در بین هم‌هی اقشار جامعه تبلور یابد تا نهادهای مسئول خود بخود از کاهش این آسیب‌ها احساس آرامش کنند و این هدف سبب کم‌رنج شدن قصاص و در کل افت مجازات در جامعه گردد. در شروع بعثت پیامبر این نوع آسیب‌ها از جمله دخترکشی با شکل‌گیری رشد معنوی موجبات آرامش در جامعه مسلمانان گردید.

۵-۱-۱- قرآن

(ترجمه آیاتی که مستقیماً فرزندکشی و عمل قتل را نهی کرده‌اند)؛ سوره ۳۱ اسرا: «هرگز فرزندان‌تان را از ترس فقر به قتل نرسانید که ما رازق آن‌ها و شما هستیم.» ۳۳ اسرا: «کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده جز به حق نکشید و هر کس مظلوم کشته شود برای وارثش تسلطی بر قاتل قرار داده‌ایم.»

۳۲ مانده: «هر فردی انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، گویی همه انسان‌ها را کشته است.»
 ۹ تا ۸ تکویر: «و هنگامی که از دختران زنده به گور شده باز پرسند آن بی‌گناهان به چه جرم و گناهی کشته شدند.»
 ۵۸-۹ نحل: «و چون یکی از آن‌ها به فرزند دختری مژده آید. آیا آن دختر را با ذلت نگه دارد یا زنده به گور کند؟» در کنار این آیاتی که نهی مستقیم فرزند‌کشی می‌نمود آیات و روایاتی وجود دارد که به شخصیت افراد می‌پردازد و همان عامل فرهنگی و درونی انسان ساز است که در جامعه ما کمتر مورد توجه قانون‌گذار و کارشناسان علوم اجتماعی و انسانی قرار می‌گیرد و مهم‌ترین تاثیر و کارآیی را در زدودن قتل فرزند می‌تواند ایفا کند. آیه ۵ سوره جمعه: «وصف کسانی که عمل کردن به تورات به آنان تکلیف شده است، آن‌گاه به آن عمل نکردند، مانند دراز گوشی است که کتاب‌هایی را حمل می‌کنند.» امام‌هادی (ع): «من هانت علیه نفسه فلا تامن شره: کسی که برای خودش شخصیت قائل نیست، از شر او ایمن مباش.» دقت در آیه و روایت ارزشمند اخیر مفهومی است که در این مقاله قصد بیان آن را داریم از بعد فرهنگی دو نکته نهفته دارد. هرچند توجه به اهمیت فرهنگی و آموزشی فرزند‌کشی جنبه سلبی درونی و انگیزشی دارد احکام اسلام در زمان تکوین و گسترش اهمیت این ابعاد را بیشتر از قوانین مدون می‌دانست. امر به آموزش از اولین آیات قرآن است که به مردم و شخص رسول الله تاکید شد. انبیا و بزرگان نیز سیره‌ی امر به معروف و نهی از منکر را سرلوحه خویش قرار دادند و بر آن شدند تا این روش و راهکار ملاحظت‌آمیز و زود بازده را در مقابل حل مشکلات اساس کار خود قرار دهند و در صورت عدم حصول نتیجه گزینه مجازات از جمله قصاص را در امور شخصی افراد جاری می‌نمودند. هدف تاکید بر پررنگ نمودن نقش کار فرهنگی نسبت به مجازات و از جمله قصاص است با توسل به مدارک دقیق احکام اسلامی.

۵-۱-۲- فقه و احادیث

الف- بیان قواعد فقهی موثر در فرزند‌کشی

در بررسی مفاهیم قواعد اصولی چون، لاجرح و لاضرر مسایلی وجود دارد که آشنایی با آن‌ها می‌تواند در جلوگیری از آسیب کمک کند. توجه به نکات ارزشمند این مباحث دوری از ضرر و خطر را در پی دارد این اطلاعات می‌تواند فرهنگ اجتماعی و حقوقی را در جامعه گسترش دهد (سامی، ۱۴۰۰: ۲).

کار فرهنگی نسبت به مجازات‌ها زمانبر ولی ریشه دار و مطمئن تر است. همه اندیشمندان و بزرگان دین تدبیر شایسته و بایسته در اصلاح یک معضلی چون فرزند‌کشی را افزایش شدت هزینه‌های ارتکاب این جرم برای پدر می‌دانند البته این افزایش هزینه نه با وضع قانون جدید یا حتی اصلاح آن که مقطعی خواهد بود بلکه با تفکیک زیر ساخت‌های آموزشی جامعه به وقوع خواهد پیوست.

طبق قاعده‌ی لاضرر؛ نه کسی حق دارد به دیگری ضرر برساند و نه حکم ضرری در اسلام نهفته است. قاعده‌ی لاجرح نیز بیانگر اسقاط هر تکلیف دشوار و مشقت زاست. البته عرف هر جامعه معیار برای تشخیص ضرر و حرج است (تورایی و شیرزادی، ۱۳۹۵: ۱۹۹). در قتل فرزند توسط پدر صرف مجازات کافی نیست! باید براساس قاعده‌ی فقهی لاضرر پیرسیم پدر چرا فرزندش را می‌کشد و حکم این ضرر در فقه چیست؟ البته بیماری روانی و ده‌ها مشکل دیگر عامل قتل است ولی راهکار فقهی همان همکاری خیرین و نهادهای دولتی است تا بنحوی با توسل به راه‌هایی چون اخلاقیات و ترس اخروی تا حد ممکن در کاهش جرم کوشا باشند البته در قاعده‌ی لاجرح اسقاط دشواری از دوش پدر نیز باید توسط بستگان پدر و نهادها و اشخاص مرتبط با او کشف شود و در حل این مشکلات دوشادوش پدر امنیت بر فرزندان حاکم شود تا حالت خشونت رخ ننماید.

ب- بیان بزرگان و صاحب نظران اسلام در مورد عدم قصاص پدر در قتل فرزند

روایت معروف نبوی است «انت و مالک لایبک»؛ فرزند و اموال او (فرزند) تعلق به پدر دارد. فضیل بن یسار از امام صادق (ع): لایقاد والد بولده قصاص نمی‌گردد پدر در قتل فرزندش (عمرانی و حاجی قربانی، ۱۳۹۷: ۸۲). این حکم اشاره به مسلمان یا کافر بودن پدر و پسر یا دختر بودن هم ندارد. صحیح‌ه ظریف از امیرالمومنین علی (ع) نقل کرده: اگر پدر صدمه‌ای به فرزند بزند قصاص نمی‌شود مگر دیه. ثبوت دیه مبنی بر توافق ولی دم و قاتل است. این‌جا کدام توافقی از بابت ارتکاب این قتل پدر با خانواده نموده که فرزند را کشته و الان می‌خواهد دیه بپردازد و کار را مختومه جلوه دهد؟ قطعاً جواب منفی است. پس فلسفه‌ی قصاص در قوانین مندرج که بعداً مفصل تشریح خواهند شد در این مورد ناسازگار با روح قصاص و یا عمل توافق خواهد بود. در زمینه مالکیت پدر بر فرزند گفته پیامبر نیز مالکیت حقیقی نیست این گفته نظر عده‌ای از فقهای اهل سنت است پس همین سبب شبهه می‌شود و براساس قاعده وجود شبهه حدود از میان میرود و پدر قصاص نمی‌شود (قاعده درء).

قرآن کریم برتری انسان‌ها را فقط در تقوی می‌داند (۳؛ حجرات) در فرازی فهمیدن و نفهمیدن را یکسان نمیداند (۹؛ زمر). و در ابتدای نزول قرآن خواندن را بر پیامبر نازل کرد (اقرا باسم ربک... ن والقلم) این اشارات بیانگر یک هدف است: انسان در سایه درک و شعور و صیقل روح با دانش‌اندوزی متناسب با روز و در جهت خدمت برتری خواهد داشت والا هیچ فضیلتی بر دانش متصور نیست. پس پدران در جهت رسیدن به این نیروی باطنی و چراغ هدایت باید تلاش کنند و جامعه بیمار یا منحرف و اختلاس‌گر و فاسد هرگز به داد این پدر در فرزندکشی و دیگر جرایم کمک نخواهد کرد. تا زمانی که این خواست و تغییر را پدر و افراد برای آینده تدارک نینند (ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم، ۱۱؛ رعد). توجه به معنای آیه زیباترین پند و راهکار انگیزشی در موارد بروز معضلات جوامع حاضر در تاریخ است. اگر ما اقشار مردم نخواهیم و اراده نکنیم برای یک پویا و تکاپوی فرهنگی چه تضمینی برای کاهش فرزندکشی در جامعه یا هدایت پدران بیمار به مراکز درمانی متصور خواهد شد؟ بی‌شک قتل بزرگ‌ترین تخلف و گناه است و کدام آدم عاقل بار ارتکاب بزرگ‌ترین تخلف را با آگاهی به هزینه‌های شوم آن به گردن می‌گیرد؟ و دنبال سلب حیات یک انسان می‌رود؟ مردم اگر شعور و درک اجتماعی‌شان با گذشت زمان متوازن رشد کند تغییر اساسی را در درون خود با فعل خواستن صرف کرده‌اند. دورنمای چنین جوامعی نه شاهد احکام خشن و مشمژکننده‌ای چون قصاص می‌شود نه شاهد رویش قارچ‌وار و کرونایی آسیب‌های رنگارنگ چون فرزندکشی خواهد بود. همت، درک و ارتقای علم و اهمیت به تعهد در کنار تخصص داروی مردم یک جامعه و دلیل سلامت آن منطقه خواهد بود.

در مسأله‌ی عدم قصاص پدر در فرزندکشی بین فقهای امامیه و فقهای اهل سنت (عامه) اتفاق نظر وجود دارد اندک تفاوت نظر در این مسأله با علمای فقه مالکی است که معتقدند: اگر فرزند توسط پدر با قصد کشتن شکنجه شود و یا شکمش دریده شود و یا سرش بریده شود و از این قبیل حرکات زجرآور قطعاً این پدر مسحق قصاص خواهد شد (قرطبی اندلسی، ۱۴۲۵: ۴۰۱؛ زحیلی، ۱۴۲۳: ۵۶). ابن منذر از فقهای شافعی هم معتقد بر قصاص پدر است بخاطر حکمت آیات قصاص (ابن منذر، ۱۴۲۵: ۶۷).

۵-۲- عرف

می‌گویند اگر خدا دردی داده درمانش هم داده است. درد فرزندکشی درمانش چیست؟ تمام کنش‌ها و واکنش‌های درجهان امروز در واقع در یک دهکده کاملاً کوچک در انظار قضاوت عموم است. در عصر تکنولوژی برای استقرار یک نظام حقوقی پایدار راهی جز مراجعه‌ی به عرف نخواهد ماند (Krewani, 2014). برخلاف تفکرات جهان سنتی

در باستان در جهان امروزی اهمیت کودکان به عنوان تاثیرگذارترین نسل و سرمایه بالقوه هر جامعه است که باید تصمیم‌گیران در قدرت بیشترین دقت را در تأمین مسائل آن‌ها به کار گیرند. درد فرزندکشی درمانش اگر با اعمال قانون رفع می‌شد تا الان نباید به طریق افسار گسیخته رشد می‌نمود! عاقلانه آنست روش‌های نارس ارزیابی و علل شکست بازبینی گردد. اگر آمار ۲۱ نفره ثبت شده در ایران از سال ۹۴ به ۷۵ نفر در ۹۹ ارتقا یافته (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰). حتما باید در همه روش‌های مقابله با این آسیب (قانونی و عرفی) بازبینی شود، چرا که بازدارندگی این روش‌ها جواب نداده و یا همخوان با تحولات نوین نیست. بعبارت دیگر راهکار ده سال قبل با پدیده‌های امروزی هم از نظر کیفیت و هم از نظر کمیت تفاوت چشمگیر داشته است. در همه‌ی علوم نیز فرصت تجدید و تمدید قوا و تغییر نگرش یا اصلاح و بازبینی و یا همان سازگاری لحاظ نشود متحمل لطمات ناخوشایند و بقولی اطراد و انزوا خواهیم بود. در جهان خلقت نیز مدبر و محول جهان روزانه و لحظه به لحظه تدبیر نو و نگرشی متفاوت از سلايق کهنه و دیرین بر انسان‌ها تجلی می‌نماید. پس نخبگان و متبحران آسیب‌شناسی در علوم اجتماعی در کنار مردم باید در رویارویی با دشمن نوین تدبیری نو با استناد به داده‌های موجود بکار گیرند تا در خنثی نمودن آن آسیب موفقیت کسب کنند (سامی، ۱۳۹۷: ۱۲۴).

این اطلاعات می‌تواند فرهنگ اجتماعی و حقوقی را در جامعه گسترش دهد آنچه مردم را از شرکت در کارهای خلاف قانون باز می‌دارد. نبود برنامه‌های مفرح و شاد برای خانواده‌ها و جوانان سبب افسردگی‌ها و پریشانی‌ها خواهد شد. فرزندان از پدر و مادر و بستگان و محیط تاثیر می‌پذیرند، تاثیر برنامه‌های مفرح و تجدیدنظر در روند موجود از رسانه ملی و پناه آوردن به فضای مجازی و خود می‌تواند در ایجاد استرس در پدران از نظر روانشناسان اثرگذار باشد پس امیدواریم بنا به عرف و فرهنگ قومیت‌های ایرانی که شادی و رنگارنگی در لباس و خوراک و مناطق آن موج می‌زند در تمدد اعصاب والدین مورد بازبینی و تجدید نظر کلی قرار گیرد تا پدران و اعضای خانواده بجای ماندن در خانه و بروز اصطکاک و مشاجره، اوقات خود را در این محیط شاد سپری نمایند تا بدین طریق فرصتی در کاهش آمار قتل در خانواده‌ها از بابت وقت‌گذارانی خارج از خانه اتفاق بیفتد.

امروزه فضای مجازی و رسانه نقش قابل توجهی در جامعه از بابت اطلاع‌رسانی و رشد فرهنگ بازی می‌کند. فرزندکشی امروزه در ایران شبیه همان شیوع ویروس کروناست و هرگز نخواهد توانست این فاجعه را از دید افکار و اذهان عمومی پنهان کند همانطوریکه در مورد قتل فرزند (بابک خرم‌دین) رسوایی این عمل شنيع با وجود اختفا بالاخره توسط رسانه و فضای مجازی دامن والدین ایشان را گرفت. ارزش و زیبایی فضای مجازی علیرغم انتقاد یک‌عده شفافیت و اطلاع‌رسانی سریع اخبار در کسری از ثانیه است. و یکی از موارد کاهش جرم، مجازات سریع و اطلاع‌رسانی فوری برای اقدام بموقع است که به لطف گسترش تکنولوژی نت و رسانه در مساله قتل فرزندان مردم در جریان قرار می‌گیرند که بار مسئولیت نهادهای مسئول در این امر را سبک‌تر و ارتکاب و لاپوشانی این حوادث را تحت تاثیر قرار می‌دهد و همین امر سبب افزایش هزینه ارتکاب جرم نسبت به انجام ندادن آن می‌شود و این همان بازدارندگی و نکته قوت رسانه و تکنولوژی عصر معاصر است که در سال‌های قبل چه انسان‌ها و کودکان مظلومی در نبود این تکنولوژی به قتل رسیده و نام و نشانی از آن‌ها نیست. والدین با اشک حسرت در این قضیه روبرو هستند. زمان گذشته بجای این تکنولوژی شخصیت و نفوذ افراد عامل بازدارنده و مانع بود. پیامبر اسلام با بهره‌گیری از امر قرآنی و استعداد خود با زنده به گور کردن دختران اعراب جاهلی مبارزه نمود. هر چند وضع زمان پیامبر و امروز و نگرش آن جوامع باهم از نظر نگرش و روش کار و حتی زمان فرق دارند. یک مساله‌ی مهم در این مقایسه نباید از نظر دور داشت که شخصیت برجسته و جاذبه و دافعه پیامبر و امام علی و برداشت عمیق و شیوای آن‌ها در تفسیر احکام اسلام بی‌شک بازدارندگی لازم را در آنزمان به دنبال داشته است (مطهری ۱۳۹۶: ۱۱۷). مردم تحت تاثیر این کاریزمای

شخصیتی یا نفوذ فکری و معنویت این افراد خودبه خود از گرایش به منکرات و دخترکشی و زنده به گور کردن باز داشته می‌شدند. تا زمانی که در کشور ما برای کار فرهنگی ریشه دار از بابت مقابله با فرزند کشی و آسیب‌های نوین از این دست بودجه لازم و هدفمند توأم با ارایه شفاف صرف این بودجه از سوی نهادهای متولی فرهنگ رخ ندهد، کار به سامان نخواهد شد.

۵-۳- قوانین

وجود قوانین متعدد عامل بازدارنده نبوده بلکه عناصر متعدد جرم است که بزهدکار را بر این امور ترغیب می‌نماید عدالت تنها در چارچوب آزادی خلاصه نمی‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۷: ۴۴). در نظام جمهوری اسلامی ایران، موارد متعددی در حمایت از حقوق و آزادی اساسی مردم وجود دارد. قانون اساسی به ویژه در فصل سوم خود، حقوق متعددی را برای شهروندان قائل شده که در این میان تعرض به امنیت افراد ممنوع و احترام به آزادی همگان لازم اعلام شده است. از آنجا که وظیفه قوه قضائیه احیای حقوق عامه و گسترش عدالت و آزادی‌های مشروع است تضمین حقوق مذکور برعهده این نهاد است (عظیم پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۱). قوه قضائیه نقش مهم و وسیع تری را در تأمین و تضمین حقوق و آزادی‌های مردم ایفا می‌کند. دانش حقوق توانایی کامل در آگاهی مخاطبین جهت قرار نگرفتن در گرداب جهل را ندارد (موبدیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۹). از این رو به کمک علمی چون علوم اجتماعی، روانشناسی و احکام اسلام به دنبال آن است که خسارت‌های ناشی از غفلت و خلا قانونی در این آسیب اجتماعی رو به رشد را به حداقل برساند و وقوع جرایم دلایل متعدد دارد از جمله: فقر، جهل، نبود فرهنگ و غیره. این فشارهای موجود اگر آسیب شناسی نشود، اعدام و یا ۳۰ سال حبس و یا هر مجازات دیگر سبب کاهش فرزند کشی نمی‌شود! قانون گذار ایران عدم قصاص پدر را در مواد ۳۰۱ و ۳۰۶ و ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با مجازات ده ساله جایگزین نموده است. سؤال اینجاست آیا این مجازات که رویه همه کشورهای اسلامی است، توانسته در کاهش مجازات فرزند کشی موثر واقع شود؟ آیا این ده سال حبس که احتمال تخفیف آن هم هست؛ مجدداً سبب ارتکاب این جرم توسط پدر نخواهد شد؟ افکار عمومی با این قانون در عصر حاضر چگونه کنار آمده‌اند؟ متأسفانه عدم تحول فقه و حقوق ایران و کشورهای اسلامی ملهم از قوانین شریعت با جهان مدرن و قوانین بین الملل بسان حکم ماشه‌ای است که با هر گونه لغزش اسلحه شلیک گلوله را به دنبال خواهد داشت. با نگاهی به پرونده قتل‌های فرزند کشی در ده سال اخیر با عنایت به خطا و غفلت قانونگذار بر آمار گرفتن جان کودکان بدلایل بیماری روحی یا فقر و فشار اقتصادی توسط پدر افزوده خواهد شد.

تجربه‌ی آشکار از فشار اقتصادی بر پدران قاتل که مصداق تبعیض بین و ناروا و عامل مهم فرزند کشی جامعه ایران است؛ را می‌توان: «حقوق‌های نجومی و دریافتی‌های زیاد یک عده مدیران و مقامات جامعه‌ی اسلامی ما و شیوه ریخت و پاش آقازاده‌ها از بیت المال» حساسیت افکار عمومی را در ایران بر انگیزخته است و آستانه‌ی تحمل مردم به آخرین درجه خود از این روند رسیده است. انعکاس این شیوه‌ی زندگی اشرافی در فضای مجازی و رسانه‌ها در شرایطی که ۸۰٪ مردم چون: کارمندان جز، اساتید حق التدریس دانشگاه، کارگران آزاد و خانواده‌های محروم در تأمین معاش روزمره خود مشکل دارند، و کتمان اولیه مسئولان از انتساب این وضع به آن‌ها؛ قطعاً سبب بروز ناملايمات و اعتراضات می‌شود. همین عوامل فشار اقتصادی مضاعف بر پدران شرمنده از اهل و عیال سبب واکنش‌های خطرناکی چون قتل فرزند می‌شود. آمار طلاق، خودکشی و ده‌ها آسیب اجتماعی دیگر بر اساس پرونده شخصیتی افراد و الگوی پدافند غیرعامل این روش زندگی فساد بار فرزندان مقامات را نشانه گرفته است. این مقاله سعی دارد مهم‌ترین و پوشیده‌ترین فشار تحمیلی بر پدران که کودک مظلوم و محروم تقاص شرمندگی پدر در تأمین معاش را می‌پردازد به گوش اهل بصیرت و دلسوز برساند. با این شیوه فساد برخی مقامات و فرزندان آن‌ها نه تنها فرزند کشی کنترل نشده

بلکه روز بروز شاهد آسیب‌های جدید با هزینه‌های گزاف بر خانواده‌های این کشور خواهیم بود و گسست و فاصله بین خانواده‌ها و حاکمیت بیشتر خواهد شد.

قانون جاری که ملهم از شریعت است بنا به محدودیت و معذورات مذهبی در مورد والدین چون مالکیت پدر بر فرزند یا احترام پدر و مادر، نمی‌تواند مجازات قصاص را برخلاف قتل‌های مرسوم در قانون حسب سفارش اسلام بدرستی اجرا کند. پس به ناچار مجازات ده ساله را نه به خاطر قتل بلکه بخاطر هتک نظم عمومی و بیم تجری (گستاخی و رغبت دیگران در ارتکاب مجدد جرم) برای عبرت دیگران به اجرا در می‌آورد. در حوزه قانون‌گذاری نقش اربابی مجازات غیر از مجرم برای دیگران هم می‌تواند بازدارنده باشد (برومند، ۱۳۹۲: ۸۲) و نیز از طریق بالا بردن هزینه ارتکاب جرم با مشورت صاحب نظران مطابق ماده ۴۱۰ آیین داری کیفری ۱۳۹۲ می‌توان اقدامی جامع و قاطع انجام داد.

در ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده: جنایات عمدی بر جنین پس از حلول روح موجب قصاص نیست. ماده ۳۰۱ قانون اخیر: قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا جد پدری مجنی علیه نباشد و در ماده ۶۱۲ همان قانون قید شده: هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته باشد، یا به هر علت قصاص نشود در صورتیکه اقدام وی موجب اخلال در نظم و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به حبس از ۳-۱۰ سال محکوم می‌شود. در همه این قوانین اخیر سبکی مجازات از همان قتل جنین بعد حلول روح تا کشتن او در سن طفولیت (تا ۱۸ سالگی) بدلائیل فوق الذکر و نهایت ده سال زندان بدون حتی تعریف شرایط زندان (عمومی با اعمال شاقه یا عمومی با حالات مجازات جایگزین یا انفرادی) نشان از دور نمای مجازات و تسامح مذهبی حاکم برای این موارد است. لذا شایسته است فلسفه وضع این حکم سبک و اندیشه حاکم در عدم شدت مجازات بر پدر در قتل فرزند براساس این عرف شرعی جا بیفتد و بستگان بزه دیده، افکار عمومی اصحاب رسانه از حساسیت و استثنای این امر آگاهی یابند و تبعات مساله و بازتاب محذورات شرعی در قانون توسط مسئولان و اصحاب رسانه در سطح داخلی و خارجی انعکاس یابد تا پذیرش موضوع و کنار آمدن با آن تسهیل گردد. البته صرف این نگرش نباید سبب تجری این افراد و جرات بر اقدام مکرر این پدیده شوم شود و بهتر است مقامات مسئول جهت مسدود نمودن سوء استفاده پدران بزهکار در فرزندکشی یک اقدام پیشرفته علمی که در همه جوامع مترقی از بدو شکل گیری هر فرد تا آخر عمرش همیشه در حال ثبت و ضبط است به نام پرونده شخصیتی ایجاد گردد. در پرونده‌های شخصیتی تمامی موارد مثبت و منفی شخص از قلم نمی‌افتد (عباسی، ۱۳۹۹: ۵۳۳). این شیوه متقن و مطمئن در مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین داری کیفری ۱۳۹۲ ایران از سوی دادستان‌ها برعهده مددکاران اجتماعی نهاده شده است که بازدارنده ترین شیوه در شناسایی هویت افراد بزهکار است و متناسب با جرم هر مجرم، مجازاتی ملهم از این پرونده براساس قانون صادر می‌شود. در مجازات فرزندکشی نیز مراکز قضایی و روانشناسان براحتی قادر خواهند بود به اتکای این پرونده‌ها شخصیتی از اسرار نهانی پدران بزهکار و مشکلات آن‌ها آگاهی یابند و در جریان نکات مخفی و پوشیده رفتاری آن‌ها قرار گیرند و بادیدی باز نسبت به اصلاح مجرم و مجازات وی حکمی جامع و منطبق با عدالت و منصفانه صادر نمایند.

۶- راهکار اجرای الگوی پدافند غیرعامل

پذیرش اختلاف و تنوع و تغییر در ساختارهای آموزشی و بالا بردن حس تعلق افراد جامعه به همدیگر. در جوامع مدرن بایسته است ابزارهای معرفتی و اطلاعاتی از سوی نهادهای آموزشی و ارتباطات جمعی در اختیار شهروندان قرار گیرد. این طرح نوین در هفت بند که در صورت اجرای دقیق زیر نظر مسئولین حکم شیب ملایم برای کاهش آسیب‌های اجتماعی جدید مثل فرزندکشی خواهد داشت.

الف- قالب ایده: در اجرای این ایده از سیستم پدافند غیرعامل الگو برداری شده است. ب- محل اجرای ایده: همه جوامع درگیر در آسیب‌های اجتماعی است. پ- نهادهای اساسی ایده: ملزومات ضروری و غیر نظامی ایده است، یعنی تربیت نیروی انسانی آموزش دیده، به دست آوردن همین نیروی انسانی آموزش دیده خود هنری بزرگ و محور رقابت و شاخصه جوامع است. هر جامعه‌ای در تربیت نیروهای انسانی کار آزموده بهتر عمل کند، طبعاً با فراغ بال راحت تری با معضلاتی چون فرزندکشی و دیگر مخاطرات مخفی تعامل و تقابل خواهد داشت (مصادق تجربه کشورها درمقابله با کرونا) البته سرشکن کردن این مسئولیت خطیر به گردن همه افراد ماهر جامعه است. (باید شرح وظایف همه افراد را در ریشه کنی این آسیب‌ها به دقت تبیین و نقش و جایگاه حساس آنها را در سرکوب فرزندکشی متذکر شویم و در صورت قصور و اهمال درصد سهم این افراد را نیز به خودشان ابلاغ و متناسب کم کاری مجازات برای آنها در نظر بگیریم) البته هدف بیشتر بر تربیت است نه تحکم! چون وظیفه پدافند غیرعامل فرهنگی است تا قضایی. ت: تبلیغات مناسب برای این ایده: ۱- در سطح شهر بروشورهایی حاکی از مرگ ناشی ضرب و شتم کودکان، خانه و محل تردد از باب زنده نگه داشتن و بیان نهی از منکر در جامعه ۲- فرهنگ سازی در فضای مجازی درباره‌ی این کودک آزاری ۳- مذمت و نکوهش در قالب تدوین و درج در صفحات کتب درسی ۴- بنا به قانون فرزندآوری محاکم قضایی باید مجازات مناسب جهت پدران وضع کنند. با توجه به اهمیت و نقش فرزندان، افراد تحصیل کرده همکاری کننده با نهاد پدافند غیرعامل در هر شهر مطابق پرونده شخصیتی افراد و با در نظر گرفتن عرف آن منطقه پیشنهاد اقدام بازدارنده برای محاکم قضایی ارائه نمایند. ۵- طرح ایجاد پلیس کودک با بهره‌گیری از روانشناسان، مددکاران اجتماعی، و سایر نخبگان جهت شناسایی کودکان در معرض خطر و مشاوره جهت رفع معضل یا هدایت کودک به مراکز مطمئن ۶- تشکیل اتاق حمایتی و ویژه در سطح شهر که همسو با دادگستری و سازمان بهزیستی در مورد والدین خطرناک و اطفال در معرض خطر عمل نمایند. با مشاوره توسط این مراکز تصمیم نهایی در صدور حکم اتخاذ گردد ۷- تشکیل صندوق حمایت کودکان با تشخیص مقامات مسئول.

ث - بومی سازی ایده: این قسمت ایده نتیجه کارآمدی آن است، یعنی درست اجرا شدن این بند بستگی به همان چینش نیروها دارد. هر مقدار بتوانیم سطح آموزشی و مهارتی منطقه را در مقابله با فرزندکشی از طریق جذب نیروهای ماهر و باتجربه توسط معتمدین، دانشگاهیان، فرهنگیان، هنرمندان و بسیج سایر امکانات مجاز را ارتقا ببخشیم، به نوعی آگاهی و درک والدین و فرزندان را فزونی و آستانه تحمل‌پذیری این دو قشر را بهبود بخشیم، الگوی پدافند غیرعامل مصمم‌تر و موفق‌تر خواهد بود و در تخصیص بودجه و حمایت مقامات ملی سهم بیشتری را می‌توان به این مناطق اختصاص داد، یعنی نوعی رقابت مثبت بین شهرها کلید می‌خورد از بابت رسیدن به این افق‌های زندگی اجتماعی و استاندارد شدن در سطح ملی که از همه جهات حائز اهمیت خواهد بود و برای آن اقلیم و مردمانش مایه تفاخر و مباهات می‌شود و غیرمستقیم سبب سرازیر شدن سرمایه گذران به اقامت در چنین شهرهای امن و بی‌حاشیه را رقم خواهد زد و این درجه از استاندارد از نظر متدهای اقتصادی و تجاری حائز اهمیت است. انتظار می‌رود طی هماهنگی با مراکز حاکمیتی محلی و ملی، راه‌های قانونی شدن این ایده جهت اهداف مشروع و خیرخواهانه ایده هموار گردد و سریع‌تر به آرمان‌های مندرج در این ایده دست یابیم و شاهد ریشه کنی این خطای بزرگ گردیم.

ح - مزیت طرح: حفظ حالت بازدارندگی با محوریت توجه به امنیت و نظم به عنوان اساسی‌ترین عنصر رشد و تعالی انسان‌ها و به ویژه فرزندان. کمک فکری به دولت (مراکز قضایی) برای کاهش پرونده‌های گشوده شده از این پدیده‌ها، که همه ساله هزینه‌های سرسام آوری را برای مقابله در بودجه پیش‌بینی می‌شود. ج - نقش مراکز دیگر در بحران: در این طرح آسیب دیده‌های اجتماعی (والدین و افراد خانواده مقتول) باید جهت بازیابی زندگی عادی خود بجای حضور در مراکز محصور جهت گذران بی هدف زندگی باید از سوی نهادهایی چون سازمان زندان‌ها، مراکز

ترک اعتیاد، خانواده‌ها، مشاوران، سازمان‌های فعال در سطح شهر به فراگیری و کسب مهارت در این ایده هدایت شوند.

نتیجه‌گیری

آمار رسمی ۷۵ نفر قتل فرزند در ایران توسط پدران تا انتهای سال ۱۳۹۹ ثبت شده است. علت تزايد آمار فرزندکشی در کشور ما چیست؟ چه راهکارهایی در افت یا کاهش این پدیده می‌تواند مطرح شود؟ برای پاسخ به این سؤالات متغیرهایی انسانی چون سواد، تربیت، اختلالات روانی، فشارهای اقتصادی جامعه، آموزش فرزندان و ده‌ها مولفه‌ی مرتبط با مساله مورد مذاقه قرار گرفت. مقاله حاضر روش توصیفی و تحلیلی را برای تبیین این موضوع استفاده نمود. با بررسی پژوهش‌ها و آثار قبلی مرتبط با معضل فرزندکشی یافته‌ها حکایت از این دارد که اغلب مجازات عدم قصاص را متناسب با این جرم نمی‌دانند و خواهان تعدیل حکم به قصاص در مورد پدران قاتل هستند. نگارنده از باب اهمیت موضوع به عنوان یک آسیب‌نامانوس در جهان مدرن امروزی که با افکار عمومی نیز این فعل سنخیتی ندارد، همچنین در جهت آشنایی با مطالب حقوقی و ادای دین به قشر آسیب‌پذیر کودکان این مطلب را مطرح نمودم. موضوع عدم قصاص پدر در قانون مجازات اسلامی کشور (مواد ۳۰۱ و ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) تقریباً قابل تغییر نیست. از آنجا که این حکم در دیگر ممالک اسلامی نیز جاری است و سبقه فقهی دارد و امامیه و اهل سنت بغیر از فقهای مالکی که موافق قصاص پدرند، پدر را در ارتکاب فرزند مرتکب قصاص تشخیص نمی‌دهند. ادله‌ی مخالفان قصاص پدر که در اکثریت هستند پشتوانه محکمی است از احادیثی چون: لایق‌الدوله بولده، انت مالک لایبک و آیات قرآنی موکد در احترام پدر و مادر. علیرغم اصرار کثیری از افکار عمومی با دسترسی به فضای مجازی، رسانه، حمایت مردمی در داخل و خارج در تغییر حکم عدم قصاص بعید و دور از ذهن تشخیص داده می‌شود. استناد گروه موافق عدم قصاص (پدران قاتل) که هیات مذهبی حاکم است و قوانین را منبعث از احکام الهی میدانند، این حکم نیز به تاسی از این استدلال استثنا نبوده و امیدی نیست که با بودن هیات حاکمه نسبت به تغییر این قبیل احکام متأثر از شرعیات دلخوش باشیم. اما راهکار مناسب برای فرزندکشی در کشور ما در عرف وجود دارد برخلاف سکون در راه حل قانونی برای مقابله با فرزندکشی، راهکار عرفی بسیار سریع، مفیدتر و حتی کم‌هزینه نسبت به تغییر یا اصلاح قانون می‌باشد و راحت‌تر نیز به هدف رهنمون می‌شویم. هدف ما کاهش فرزندکشی و تقلیل آخرین آمار است؛ لذا برای نیل به این مهم اول یک الگوی آموزشی و فرهنگی طراحی شد؛ سپس چیش و گزینش راه‌ها، اشخاص و امکانات بایسته و مناسب برای مقابله در این الگو جایگزین گردید. الگوی نوآورانه به نام پدافند غیرعامل نامگذاری شد. در این الگو تکیه بر استفاده از نیروهای باتجربه و صاحب نفوذ برای آموزش و تاثیرگذاری بر والدین و فرزندان و آموزش‌های بازدارنده در تمامی مقاطع تحصیلی و هماهنگی با هنرمندان و فعالان دیده شده است. عرصه محصولات سمعی و بصری برای ساختن برنامه‌هایی با محتوای موثر و بسیج تشکل‌ها برای اعتراضات قانونی در فضای مجازی و سطح شهرها و بلاد ایده متناسب هر منطقه که پژوهش‌های قبلی از این کمبود در رنج بودند، مزیت ویژه‌ای دارد.

این مقاله بدون انحراف از هدف از مسیر اصلی سعی دارد یکی از مهم‌ترین و پوشیده‌ترین فشارهای تحمیلی بر پدران جامعه را که کودکان مظلوم و محرومشان تقاص آن را از بابت شرمندگی پدر در تأمین معاش پرداخت میکنند به گوش اهل بصیرت و دلسوزان برساند. تا زمانیکه با این شیوه فسادآمیز زندگی برخی مقامات و فرزندان آنها به صورت اهمالی و سرسری برخورد شود نه تنها فرزندکشی بلکه روز بروز مثل سوبیه‌های جدید کرونا شاهد آسیب‌هایی جدید با هزینه‌های گزاف بر خانواده‌های این کشور خواهیم بود و گسست و فاصله بین خانواده‌ها و حتی حاکمیت بیشتر خواهد شد.

همانطور که طبق اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضرورت‌ها سبب اجرای آزمایشی قوانین خواهد شد، امیدوارم با کسب موفقیت در داوری، این مقاله بتواند مجال اجرایی شدن این الگو برای کاهش فرزندکشی در همه‌ی مناطق کشور را به صورت آزمایشی احراز کند.

منابع

- ابن منذر، ابراهیم. (۱۴۲۵ق). *الاشراف علی مذاهب اهل العلم*، بیروت: مکتبه الثقافه.
- احمدی، نعمت. (۱۳۹۹). گناه دادگستری در ماجرای قتل رومینا زیاد است، پایگاه خبری *تحلیلی انصاف*، تاریخ دسترسی <https://www.isna.ir/news/99031810377>: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵
- برومند، فاطمه. (۱۳۹۲). ارزیابی بازدارندگی مجازات حبس، جزای نقدی و تعلیق مجازات در جرایم نظامی، *مجله کارآگاه*، ۶ (۲۴)، ۷۵-۹۷.
- تورایی، یوسف و شیرزادی، سمیرا. (۱۳۹۵). رابطه قاعده نفی ضرر با قاعده نفی حرج، تهران: *نشرکنگره بین‌المللی جامع حقوق ایران*.
- ثمیری، محمد. (۱۳۹۷). شیوه مقابله قانونگذار کیفری با مبتلایان به اختلالات روانی خطرناک، *فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار*، ۲ (۶)، ۳۸۷-۴۱۸.
- خبرگزاری فارس. (۱۴۰۰). آمار فرزندکشی در ایران و آمریکا چقدر است؟، پایگاه خبرگزاری فارس، تاریخ دسترسی <https://www.farsnews.ir/news/14000303001053> از ۱۴۰۰/۰۸/۰۵
- زحیلی، وهبه. (۱۴۲۳). *الفقه المالکی المیسر، الطبعه الثانیه*، بیروت: دارالکلم الطیب.
- زنگی آبادی، محمدرضا، اسحاقی آستانی، محمد و خادمی پور، رحیمه. (۱۳۹۸). بررسی جایگاه بیماری‌های عصبی در موانع حضانت موضوع ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، *مجله حقوق پزشکی*، ۱۳ (۵۱)، ۶۵-۸۸.
- سامی، محمد جواد. (۱۳۹۷). حیات فکری اجتماعی حکیم ملاهادی سبزواری، رساله دکتری تخصصی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- سامی، محمد جواد. (۱۴۰۰). تطبیق قاعده غرور، *فصلنامه تحقیقات نوین میان رشته‌ای حقوق*، ۱ (۲)، ۱-۱۰.
- عباسی، محسن. (۱۳۹۹). نقش شخصیت بزهکار و روش برخورد تربیتی در خور با شخصیت مجرم از دیدگاه آموزه‌های اسلام، *فصلنامه بین‌المللی قانون یار*، ۴ (۱۴)، ۵۱۳-۵۴۵.
- عظیم پور، فاطمه، خسروی، حسن و جعفری، افشین. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی حمایت از کارگران در مشاغل سخت و زیان‌آور در حقوق کار ایران، *فصلنامه تحقیقات نوین میان رشته‌ای حقوق*، ۱ (۲)، ۹۴-۱۰۶.
- عمرانی، سلمان و حاجی قربانی، حسین. (۱۳۹۷). مبانی فقهی عدم قصاص پدر در قانون مجازات اسلامی، *دوفصلنامه علمی تخصصی آموزه‌های حقوقی گواه*، ۴ (۱)، ۶-۷۳.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸.
- قانون آیین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.
- قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰.
- قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.
- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۱۵.
- قرآن کریم.
- قرطبی اندلسی، محمد ابن احمد بن رشد. (۱۴۲۵). *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*، بیروت: دارالفکر.

قنبرپور، سینا. (۱۴۰۰). کودکانی که قربانی می‌شوند؛ والدینی که فرزند می‌کشند، خبرآنلاین، تاریخ دسترسی ۱۴۰۰/۹/۲۱: <https://www.khabaronline.ir/photo/521846>

قوی قلب، مهسا. (۱۴۰۰). فرزند کشی: شلیک به خانواده، روزنامه ایران، ۲۷ (۷۶۳۷)، ۱-۱۶.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). جاذبه و دافعه علی (ع)، چاپ دهم، تهران: انتشارات صدرا.

مویدیان، امینه و شاحیدر، عبدالکریم. (۱۴۰۰). دموکراسی در حقوق بین الملل از منظر شکلی و ماهوی، فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۱ (۲)، ۳۵-۵۵.

References

Krewani, A. (2014). *Mc Luhan's global village today: Transatlantic perspectives*. London: Routledge.

